

اشاره

در طول تاریخ، نفاق و تفرقه به مثابه دو اهرم فشارند که ضربات کاری بر پیکر واحد مسلمانان وارد آورده‌اند و جامعه مسلمانان بیشترین ضربه و زیان را از این ناحیه متحمل شده است. مقاله حاضر (که از سوی مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان برای فصلنامه ارسال گردیده و صمیمانه از آن مرکز و محقق محترم سپاسگزاری می‌نمائیم) ضمن بررسی وحدت مسلمانان، این دو موضوع را با توجه به سیره پیامبر اکرم (ص) بررسی کرده است. باشد که سیره عملی آن حضرت چراغ راه آینده ما باشد.

وحدت‌گرایی و رابرد مبارزه با نفاق در سیره پیامبر اکرم

حمید سبحانی*

معنای تفرقه و نفاق و پیشینه تاریخی

وحدت یکی از مهم‌ترین ابزارهای همه مصلحان بشری در برابر خطر تفرقه و نفاق بوده و هست. مسلمانان نیز از صدر اسلام تاکنون، بر مبنای تعالیم اسلام و دیانت حقه توحیدی، پیگیر آن بوده‌اند و در مقابله با دشمنان آن راه، به عنوان یک نظریه یا استراتژی و برنامه، در ابعاد و اشکال مختلف، متناسب با مقتضیات زمان، ارائه نموده‌اند.

با بررسی تفصیلی لغتنامه و کتب مرجع درباره دو واژه «نفاق» و «تفرقه» با یک مفهوم مشترک لغوی روبه‌رو می‌شویم. نفاق عبارت است از دودستگی، دورویی و ریاکاری. تفرق و تفرقه نیز به معنای پراکنده شدن، جدا جدا کردن چیزی، جدایی، پریشانی و اختلاف است.^۱

* محقق و پژوهشگر معارف اسلامی، تحصیل کرده حوزه علمیه مشهد.

۱. نک: فلسفی، احمد، فرهنگ زبان فارسی، ص ۷۰؛ عمید، حسن، فرهنگ عمید؛ صدری افشار، غلامحسین، فرهنگ گزیده فارسی؛ معین، محمد، فرهنگ معین؛ بندرریگی، محمد، ترجمه المنجد؛ راغب اصفهانی، حسین، مفردات راغب؛ معجم مقاییس

نفاق در اصطلاح نیز به معنای مخفی کردن کفر و تظاهر به ایمان آمده است. استعمال نفاق به معنای مذکور برای اولین بار در قرآن آمده و عرب قبل از اسلام آن را به این معنا به کار نمی‌برده است.^۱

بی‌تردید قرآن کریم، کلام خداوند و وحی الهی است که توسط پیامبر اکرم(ص) برای هدایت مردم و قرار دادن انسانها و جوامع بشری در مسیر فطرت و توحید، که مسیر وحدت و یگانگی است، به جهانیان عرضه شده است. به اعتقاد مسلمانان و پیروان همه مذاهب اسلامی، اعم از شیعه و سنی و غیر آن، قرآن بر خلاف سایر کتابهای آسمانی و علی‌رغم همه دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان اسلام، دست‌نخورده و بدون تحریف باقی مانده و تحریف قرآن بنا به نظر بزرگان علمای اسلام باطل است و خداوند، خود، حافظ آن است: «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون»^۲.

این رمز جاودانگی قرآن و تعالیم آن است. بنابراین، استناد به کلام خداوند در قرآن و پیگیری مسئله وحدت و تفرقه در آن و ارائه تعالیم و دستورهای سلبی و ایجابی و نفی و اثباتی و یا امر و نهی قرآن در این زمینه، برای همه مسلمانان و مؤمنان و موحدان دارای سندیت و اعتبار قطعی است؛ حتی برای آن دست از اهل کتاب که به آسمانی بودن این کتاب و رسالت پیامبر اکرم(ص) باور دارند و یا بدان معترف‌اند.

قرآن در جهت سلب، نفی، نهی و بر مبنای شعار اساسی توحید یعنی «لا اله الا الله»، مسلمانان، مؤمنان و امت را به فراتر رفتن از مرزهای تنگ و محدود جهان طبیعت و ماده و نفی و شکستن همه بتها و اله‌ها که از جنس همان کثرات عالم طبیعت و ماده‌اند و یا به نحوی از آن برخاسته‌اند فرا می‌خواند. براساس دیدگاه قرآن، تکیه و اصالت دادن و مطلق نمودن غیر خدا شرک، کفر و نفاق محسوب می‌شود و حاصلی جز تفرقه و جدایی، نفاق و انشقاق، تنازع و

ط اللغة؛ فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ص ۸۲۰؛ جبران مسعود، الرائد، ترجمه رضا انزابی‌نژاد. همه این لغتنامه‌ها ذیل ماده «نقق» به تعریف و بیان این اصطلاح پرداخته‌اند. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۹۸؛ دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، ج ۵، ص ۶۸۴۸.

۱. ابن اثیر، مجدالدین، نهاية العرب؛ ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده نقق، ج ۱۰، ص ۳۵۹.

۲. حجر، آیه ۹.

درگیری و خصومت و دشمنی ندارد و خداوند برای آنان عذابی دردناک مهیا نموده است: **قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً... کیف نصف یلآت لعالمهم فقهون؛^۱ إن الذین فرّقوا دینهم و كانوا شیعاً لست منهم... ثم ینبئهم بما كانوا یفعلون؛^۲ منیبین إلیه و اتقوه و اقیموا الصلوة و لاتکونوا من المشرکین.^۳**

سابقه ظهور جریان تفرقه به قبل از ظهور اسلام و سابقه جریان نفاق که ساختار اعتقادی و اجتماعی جامعه مدینه را همواره به سوی تفرقه و تشتت و خلل‌پذیری سیاسی و اجتماعی پیش می‌برد، حداقل به سال دوم هجرت می‌رسد. قرآن از جریان نفاق در آغاز با وصف اعمالشان سخن می‌گوید، آن‌گاه در فاصله سالهای چهارم تا هفتم هجرت - که بر تعداد اینان افزوده می‌شود و در برابر مؤمنان آشکارا موضعگیری می‌کنند و می‌کوشند تا مسلمانان را به سوی خود جلب کنند - رسماً با عنوان منافقان و منافقات از آنها یاد می‌کند. آنان به هنگام حضور احزاب در اطراف مدینه، آشکارا در صحت وعده پیروزی مؤمنان تردید می‌کردند و مردم یثرب را به مراجعت از میدان جنگ فرا می‌خواندند.^۴

عوامل و زمینه‌های تفرقه و نفاق

ریشه‌ها و علل و اسباب ایجاد عوامل تفرقه‌افکن و اختلاف میان امت، از دیدگاه قرآن، عقادات مبتنی بر شرک، کفر و نفاق و به دنبال آن عبودیت غیر خدا و عبادت و اطاعت اله‌ها از قبیل جنس، رنگ، طبقه، آبا و اجداد، قوم و قبیله و عشیره، شعب و ملیت، حزب و نفس اماره و امثال آن و نیز پذیرش ولایت شیطان، استکبار و طاغوت و تسلیم شدن به آنها و دوستی و همکاری و همراهی با آنهاست.

از دیدگاه قرآن، یکی از علل اساسی بروز اختلافات و تفرقه در میان امت، پذیرش ولایت شیطان و عبودیت و اطاعت او به جای ولایت خدا و رسول و عبودیت حق است و این امر منشأ و سرچشمه همه تجزیه‌ها، تفرقه‌ها و تنازعه‌هاست. در واقع اولین اختلاف و سرچشمه

۱. انعام، آیه ۶۵.

۲. انعام، آیه ۱۵۹.

۳. روم، آیه ۳۱.

۴. ابن هشام، سیره النبویه، ج ۳، ص ۲۳۳.



تفرقه، از لَحْ ظَهْلَجِه و جَلَد كَه شَيْطَان لَنْجِدْهُرْ أَدَمْ لِكْ و لَسْتَكْبَاوْرَزِيد و اِكْفَارِن شد: «قال ما منعك الا تسجد اذ امرتك قال انا خير منه خلقتني من نار و خلقته من طين»^۱. این استکبار شیطان، جوهره همه شرکها و نفاقها و اختلافها و جزو ماهیت و هویت شیطان و همه پیروان اوست. از این رو، کسانی که ولایت شیطان را پذیرفته و جزو حزب او شده‌اند، منادیان تفرقه و تنازع گشته و امت را از فطرت توحیدی‌شان دور ساخته‌اند. اینان داخل در حزب شیطان هستند که خدا را فراموش کردند:

استحوذ علیهم الشیطان فأنساهم ذکر الله اولئک حزب الشیطان الا این
حزب الشیطان هم الخاسرون^۲.

پذیرش ولایت شیطان و عبودیت و اطاعت او، پذیرفتن عبودیت و اطاعت همه بتها و الهها و طاغوتها را به همراه دارد و ملازم با آن است. لذا قرآن در موارد مختلف مکرر، مسلمانان را از عبودیت شیطان و طاغوت و همه مظاهر شیطانی و طاغوتی برحذر می‌دارد و آنان را به توحید فرا می‌خواند.^۳

ولایت طاغوت و شیطان در نظامهای جاهلی و طاغوتی، از مهم‌ترین موانع وحدت و رشد و تکامل انسانهاست. از همین رو قرآن برای وارد کردن مسلمانان به منطقه تحت ولایت الله و فراهم نمودن زمینه‌های وحدت و رشد و تعالی آنان، در مواردی که نتوانند به مبارزه با طاغوت و شیطان بپردازند، هجرت را تجویز می‌کند.^۴

همچنین قرآن کریم، ولایت و ولی گرفتن بیگانگان و دشمنان مسلمانان، اعم از اهل کتاب، یهود و نصارا، کافران، مشرکان و ظالمان را نیز نهی نموده و آن را از عوامل تفرقه و هلاکت مسلمانان دانسته است. قرآن در آیات نخست تا نهم سوره ممتحنه، اصول و ضوابط حاکم بر روابط خارجی مسلمانان را ترسیم و تعیین کرده است. در این آیات، مسلمانان از یاور گرفتن و طرح دوستی با دشمنان خدا بازداشته شده‌اند، هر چند که از دوستی با غیر معاندین

۱. اعراف، آیه ۱۲.

۲. مجادله، آیه ۱۹.

۳. انعام، آیات ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴ و ۱۲۱؛ شعراء، آیات ۹۰ و ۱۰۳؛ مؤمن، آیات ۲۳ و ۲۵؛ سبأ، آیات ۳۴ و ۳۵؛ توبه، آیه ۳۴.

۴. نساء، آیات ۸۸، ۸۹، ۹۱ و ۱۰۱؛ انفال، آیات ۷۳ - ۷۵.

منع نشده و به جای آن به رفتار مبتنی بر حق و عدل و انصاف سفارش شده‌اند. یکی دیگر از مسائلی که سبب بروز شکاف میان انسانها گردیده و آنان را از همدیگر جدا و جمعشان را پراکنده ساخته و به گواهی تجربه تاریخی منشأ اختلاف و فساد فراوانی در میان اجتماعات انسانی شده، اعتقاد به برتری نژادی است. مطابق نظریه‌های نژادپرستانه، انسانها دارای جوهر واحد نبوده، بلکه برخی از نژادها نسبت به برخی دیگر دارای برتریها و امتیازات کیفی‌اند. از نظر اسلام کلیه نظریه‌های نژادپرستانه مطرود و محکوم و به کلی عاری از حقیقت است. برای اینکه معلوم شود اسلام در این زمینه چه نظری دارد و تا چه اندازه بر وحدت جوهر انسانی و یگانگی نوعی آدمیان تأکید می‌ورزد، بی‌مناسبت نیست به قسمتی از خطابه پیامبر اسلام(ص) که در حجة الوداع خطاب به یکصدوچهل هزار مسلمان ایراد فرموده‌اند توجه کنیم.

پیامبر اکرم(ص) در این پیام تاریخی خطاب به جمع مسلمانان فرمود:

ایها الناس: إن ربکم واحد. و إن أباکم واحد. کلکم من آدم و آدم من تراب. إن اکرمکم عند الله اتقیکم. لیس لعربی علی أعجمی فضل الا بالتقوی؛ ای مردم بدانید که خداوند شما واحد است؛ و پدر شما هم واحد است؛ همه شما از آدم هستید و آدم نیز از خاک است؛ همانا عزیزترین شما در پیشگاه خداوند پرهیزگارترین شماست و هیچ عربی بر عجمی برتری ندارد مگر در سایه پرهیزگاری.^۱

بنابراین، از نظر اسلام، نژاد همه خاکی است، همه از یک نژادند و اختلافات ظاهری همه در حکم اعراض‌اند و هیچ یک در حکم جوهر نیستند، زیرا جوهر انسانی واحد است و هیچ گونه اختلاف نوعی و کیفی بین انسانها وجود ندارد. در صورتی که می‌دانیم حتی در قرن بیستم نظریه‌هایی هست که می‌گویند: ماده خاکستری مغز در نزد اعراب فعال نیست، یا ابعاد مهره‌های ستون فقرات، مشخصات لایه‌های سلولی در رویه مغز، تعداد و طرز قرار گرفتن شیارهای مغزی در نزد بعضی از نژادها از جمله نژاد سیاه به طرز مخصوصی است^۲ در صورتی

۱. جاحظ، البیان و التبیین، ص ۲۶۴.

۲. فرانتس فانون، نژادپرستی و فرهنگ، ترجمه منوچهر هزارخانی، ص ۵۰.



که ۱۴۰۰ سال پیش، قبل از اینکه عالم علم به پوچی نظریه‌های نژادپرستی رأی دهد، اسلام نژاد همه را واحد معرفی کرده و اعلام داشته است که انسانیت واحد است و خدای انسان نیز واحد است.

از دیگر عوامل تفرقه و جدایی در میان انسانها قومیت‌پرستی یا ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم به معنای امروزی آن با تأکید بر عواملی چون خاک و خون و زبان و شرایط اقلیمی و تاریخی و...، زنجیر وحدت امت بشری را از هم گسیخته و مانع اتحاد ملت‌ها براساس پیوندهای اصیل انسانی گردیده است؛ پیوندهایی که بسی برتر از عوامل صوری و ظاهری‌اند و ریشه در اعماق فکر و اندیشه یا قلب و روح انسانها دارند. نظریه‌های موجود در زمینه ملیت و ناسیونالیسم فراوان و گاه متضاد و متناقض است. یوهان هررد و یوهان فیخته، از فیلسوفان آلمان، بر نقش زبان و تاریخ پیدایش شعور ملی و تکوین قومیت تأکید فراوان ورزیده و زبان را نمودار جوهر روح ملی و هویت جداگانه هر ملت معرفی کرده‌اند. کسانی چون نامق کمال در ترکیه و عبدالله ندیم و ساطع الحصری در مصر نیز به ترویج این نظریه پرداخته‌اند.^۱

اسلام به حکم منطق آرمانی خود، با ناسیونالیسم و قومیت که نتیجه‌ای جز ایجاد عایق و مانع بر سر راه پیوند واقعی میان انسانها در بر ندارد، موافق نیست و به همین علت است که هیچ یک از تعالیم اسلامی رنگ ناسیونالیستی نمی‌گیرد و نشان قوم یا نژاد معینی را نیز به هیچ روی بر پیشانی خود ندارد، بلکه کلیه معیارها و مقیاسهای موجود در آن، جنبه جهانی و اترناسیونالیستی داشته و شامل حال نوع انسان است. گرچه اسلام در جامعه عربستان پا گرفت و تأسیس امت در آن دیار صورت پذیرفت، اما برخلاف تصور نژادپرستان و قومیان افراطی عرب که اسلام را در دین عربی و خاص عربان می‌دانند یا می‌نمایانند، به هیچ وجه رنگ عربی یا ملیت خاص ندارد تا در کشوری ملی و در کشوری دیگر غیر ملی و بیگانه معرفی شود.

اگر اسلام دینی بر مبنای پان عربیسم بود، در این صورت ما نیز حق داشتیم به دنبال دین ملی دیگری برای خود باشیم و پند و وعظ کسانی را به جان خریدار شویم که آیین زردشتی را به علت ملی و ایرانی بودن برای ما بهتر و مقرون به مصلحت تشخیص می‌دهند. اما اندکی

۱. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۹۴.

توجه به تعالیم اسلامی به خوبی معلوم می‌دارد که اسلام دین فطری و بشری و در نتیجه یک ایدئولوژی الهی برای عموم افراد انسانی در تمام زمانها و مکانهاست. به خاطر همین نیز هر جا قرآن در مقام بیان اصول اسلامی برآمده، به جای خطاب به جمعی یا ملتی معین، خطاب کلی «یا ایها الناس» را به کار برده است، چرا که پیام اسلام، پیامی است خطاب به مطلق انسان؛ با قطع نظر از اختلافات صوری و عرضی که هرگز نمی‌تواند در ماهیت اصلی او تغییری بنیادی به وجود آورد.^۱

برخی از عوامل دیگری که می‌توان به عنوان علل و عوامل تفرقه نام برد عبارت‌اند از: ترک فضایل اخلاقی و رسوخ اوصاف رذیله، فاصله گرفتن از اسلام اصیل و اولیه و نفوذ خرافات و بدعتها در عقاید مسلمانان، قومیت‌گرایی و تعصبات قومی و نژادی، عقیده بدون عمل و مسئله نفاق، جدایی دین از سیاست و تبدیل خلافت به سلطنت، فرقه‌سازی و فرقه‌گرایی، استبداد داخلی، استعمار خارجی و جهل و بی‌خبری و عقب‌ماندگی در علم.

نگارنده بر این باور است، که بارزترین علت نفاق، دوری از فطرت الهی و انحطاط از مقام آدمی است. اگر انسان به مقام خویش آگاهی داشته باشد، هیچ‌گاه از فطرت ذاتی و الهی خود منحرف نخواهد شد اکنون به برخی از عوامل ایجاد نفاق اشاره می‌کنیم.

از جمله عوامل نفاق، حس ریاست‌طلبی و آرزوی مقام و حکومت است که موجب می‌شود فرد منافق برای وصول به اهداف خود، به تقویت نظام حاکم موجود بپردازد و با مردم هم‌صدا شود و به صورت بسیار مرموز و مخفیانه در مراکز مهم حکومت نفوذ کند و از توانایی قدرت حاکمه جهت افزایش قدرت خود استفاده نماید.

عامل بعدی که باعث وجود نفاق در امور مملکتی و حکومتی و... می‌شود، ترس از جریان حاکم و قدرت آن است. منافق به دلیل ناتوانی در مبارزه با نظام مقتدر حاکم، مجبور به تسلیم ظاهری می‌گردد، و چون توان مبارزه آشکار را ندارد، در نهان مقدمات از بین بردن حکومت را فراهم می‌آورد.

از دیگر عوامل ایجاد نفاق، حرص در جمع‌آوری ثروت و سرمایه است. این بدان معناست که منافق از بازار مسلمانان به سود خویش بهره می‌برد و کار خویش را رونق می‌بخشد و به

۱. نساء، آیات ۱۷۰ و ۱۷۴.

مسلمانان علاقه نشان می‌دهد، اما این محبت تا زمانی است که از بازار آنها سود ببرد. نادانی منافق که سرچشمه هر فساد است باعث می‌شود که راهنمای بی‌خردان گردد و خود را از مصلحان جلوه دهد: «و اذا قيل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون؛ وقتی به آنان گفته می‌شود فساد نکنید، می‌گویند: ما مصلح و خیرخواه هستیم.»

به گواهی تاریخ اسلام، بیشتر مردم مدینه، مسلمان و یا موافق پیامبر(ص) بودند، اما چنین نبود که شهر و اطراف آن به طور تام مطیع و آرام باشد. عبدالله بن اُبی که مقدمات ریاست او بر شهر آماده شده و با رسیدن پیامبر(ص) به مدینه از این مقام محروم مانده بود، بیکار نمی‌نشست و با آنکه به ظاهر خود را مسلمان می‌خواند، در نهان علیه حضرت(ص) و مسلمانان توطئه می‌کرد و با یهود مدینه نیز مراوداتی داشت.

روش‌شناسی پیامبر اکرم در مبارزه با خطر تفرقه و نفاق

قرآن بر اساس شعار محوری توحید، بعد از نفی و نهدی از علل تفرقه‌افکن و دور کننده از مسیر فطرت و توحید، مسلمانان را به توحید و وحدت دعوت می‌کند. در واقع نفی همهٔ معبودها و اله‌ها و مبارزه با آنها، مبارزه با موانع وحدت است و با رفع آن موانع، زمینه برای عبودیت حق و اطاعت و عبادت خداوند یکتا فراهم می‌شود. همین پرستش خداوند و بندگی اوست که سرچشمهٔ وحدت و یگانگی، دوستی و محبت و مودت میان مردم و مسلمانان است. این همان پذیرش ولایت خدا و رسول و مؤمنان است که همراه با عوامل دیگری، مبانی و مایه‌های اساسی وحدت مسلمانان را تشکیل می‌دهد.^۱

قرآن در تأکید و تأیید این وحدت، در تعبیر مختلفی بر آن صحنه می‌گذارد و حول محور توحید، به تحلیل و تجویز آن می‌پردازد. از جملهٔ این تعبیر عبارت‌اند از: «اعتصموا»، «اصلحوا»، «رابطوا»، «تعاونوا»، «السلم»، «اصلاح بین الناس»، «آلف بین قلوبکم»، «أمة واحدة»، «أمة وسطاً»، «حزب الله»، «صراط مستقیم»، «صبغة الله»، «مودة»، «اخوة».

خداوند مسلمانان را به پیروی و اطاعت از خود و رسول خود و نیز رجوع به خدا و رسول، هنگام اختلاف در امور و یا در مسائل مورد اختلاف، دعوت می‌کند. به طور معین، پیروی از خدا پیروی از قرآن و رسول و الگو گرفتن و متابعت از سنت، یعنی قول و فعل و تقریر پیامبر

۱. بقره، آیهٔ ۱۱.

اکرم(ص) - نزد اهل سنت - و علاوه بر آن ائمه اطهار(ع) - نزد اهل تشیع - است. پیروی و اطاعت از رسول به دنبال پیروی و اطاعت از خدا می‌آید. از این رو، در آغاز اهمیت سنت و جایگاه آن را در اسلام، در کلام خدا سراغ می‌گیریم که می‌فرماید: «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»^۱.

وقتی به راهبردهای نبی مکرم اسلام(ص) می‌نگریم، سه راهبرد کلی سیاسی و حکومتی، فرهنگی و عقیدتی و ارزشی و اجتماعی مشاهده می‌کنیم که آن حضرت این موضع‌گیریها را در بستر جامعه آن زمان با رویکرد دستیابی به امت واحد اتخاذ کرده‌اند؛ تدابیری که نزد قرآن در مسیر اهداف بزرگ انبیا تلقی می‌شوند: «کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشیرین... فیما اختلفوا فیه...»^۲.

۱. راهبردهای سیاسی و حکومتی

در عرصه راهبردهای سیاسی و حکومتی، برخی از روشها و الگوهای سیاسی که می‌توان به آنها اشاره کرد عبارت‌اند از: الف) مبارزه و انقلاب سیاسی، ب) تشکیل نظام حکومتی، ج) حاکمیت اسلام، د) تدابیر دفاعی و جهادی.

الف) مبارزه و انقلاب سیاسی

برخورد با پراکندگی

جلوگیری از تشتت و پراکندگی اجتماعی جامعه آن روز و در عین حال، ایجاد نوعی وحدت سیاسی، راهی برای تحقق جامعه اسلامی بود تا پیامبر اکرم(ص) از طریق آن، امکان اعتلای ندای وحدت اسلام را به دست آورد. در واقع باید این راهبرد را اولین قدم در مسیر تحقق امت واحد دانست. وضعیت سیاسی عربستان پیش از اسلام نشان می‌دهد که هیچ‌گونه حاکمیت سیاسی واحد و منسجمی بر آن حکم‌فرما نبوده و تنها قبایل مختلف با حالت ملوک الطوائفی به صورت مجزای از یکدیگر وجود داشته‌اند.

پیامبر اکرم(ص) در نخستین حرکتها دست به یک انقلاب سیاسی برای مبارزه با وضعیت

۱. حشر، آیه ۷.

۲. بقره، آیه ۲۱۳.

جامعه متفرق آن زمان و ایجاد یک وحدت سیاسی زد. مبارزه و جنبش سیاسی پیامبر(ص) به جهت جلوگیری از گسستگی سیاسی حاکم در زندگی اعراب جاهلی و تلاش برای ایجاد پیوند سیاسی جدید شاهی گویا بر راهکار وحدت دینی است.

تشتت سیاسی عربستان

جامعه جاهلی به دلیل فقدان هر گونه قوانین حکومتی و ضوابط سیاسی، دچار آشفتگی ویرانگری شده و وجود آزادیهای مفرط و نیز سنتهای ناروای اجدادی، دلیلی برای تشدید آن بوده است.

توده‌های عرب در حجاز، نجد و تهامه فاقد هر نوع حکومتی بوده‌اند. در آنجا نیرویی وجود نداشت تا جان و مال و ناموس مردم در سایه آن در امان باشد. آنجا چندین قبیله بود که با یکدیگر در ستیز بودند و بعضی بر دیگری تجاوز می‌کرد... آنان این هرج و مرج را امری طبیعی تصور می‌کردند و هیچ کدام به لزوم چنین دگرگونی هم نمی‌اندیشیدند و اگر کسی هم درباره آن فکر می‌کرد، هیچ وسیله‌ای برای عملی ساختن و هیچ گونه حق حاکمیتی نداشت... تا توده‌های عرب و جمعیت‌های دیگری را که دارای اهمیتی بودند از هرج و مرج اجتماعی، اخلاقی و سیاسی و مهم‌تر از آن از هرج و مرج دینی، نجات بخشد.^۱

اما حرکت پیامبر(ص) که از آبخشور لطف الاهی بهره داشت، نخستین گام به سوی تحقق وحدت سیاسی امت به حساب می‌آمد.

ب) تشکیل نظام حکومتی

ضرورت پی‌ریزی نظام سیاسی - دینی

با مطالعه کلی تاریخ پیامبر چنین به نظر می‌رسد که تلاش سیاسی ایشان تنها در یک مبارزه منفی برای جلوگیری از تفرقه سیاسی حاکم منحصر نمی‌گردد، بلکه تثبیت شرایط اجتماعی و وحدت بخشی به آن، به صورت نظام‌مند و البته در چارچوب یک سیستم حکومتی

۱. شری، محمدجواد، امیرالمؤمنین اسوه وحدت، ص ۱۱۳ - ۱۱۵.

را نیز به دنبال دارد. پی‌ریزی یک نظام واحد سیاسی، مهم‌ترین عامل ایجاد وحدت اسلامی خواهد بود و علاوه بر این، زمینه‌ای برای تشکیل امت واحده است، چرا که بدون داشتن حکومت دینی و هدایت سیاسی جامعه توسط رهبری واحد، جامعه‌ای اسلامی وجود نخواهد داشت و بدون آن نیز سخن از جوامع مسلمان در سرتاسر عالم و زمینه‌سازیهایی فکری و عینی وحدت اسلام بی‌معناست. و چه زیبا در کلام الاهی آمده است: «و نريد أن نمَنّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین»^۱.

دوران ده ساله حضور پیامبر اکرم(ص) در مدینه، یعنی مجموعه تلاشهای سالهای پس از هجرت، را می‌توان به عنوان شاهدهی بر این مسئله عنوان کرد. تصمیم پیامبر مبنی بر ایجاد حاکمیت الاهی در جامعه عربستان آن زمان، از امور قطعی تاریخ اسلام شمرده می‌شود. جدای از استدلالهای کلامی و عقیدتی، قرائن فراوان تاریخی پیش روی ما قرار دارد. سعی ایشان در حذف انگیزه‌های عشیره‌ای و قبیله‌ای امت عرب در حضور اجتماعی آنان و نیز جایگزینی علایق و تمایلات اصیل و مذهبی، راهی برای تشکیل یک نظام واحد سیاسی با حاکمیت قانون یکتای الاهی است. «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...»^۲.

دستور ایشان به هجرت کلیه مسلمانان به مدینه، که حاکی از هدف گردآوری یک تجمع واحد و تأسیس حاکمیت سیاسی بود: «ان الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا بأموالهم... حتی یهاجروا...»^۳ و همچنین رویدادهای پیمان عقبه اول و عقبه دوم را نیز می‌توان به عنوان زمینه‌سازهای تشکیل نظام حکومتی نام برد.

ج) حاکمیت اسلام

توسعه وحدت سیاسی

قلمرو و نفوذ و حاکمیت دولت اسلامی پیامبر(ص) از محدوده جغرافیایی مدینه فراتر می‌رود و نخست، کل شبه جزیره را در برمی‌گیرد و سپس دامنه این حرکت تا مرزهای جغرافیایی خارج از عربستان هم تسری می‌یابد. بی‌تردید این حاکمیت، عهدهی از سوی خدای

۱. قصص، آیه ۵.

۲. مائده، آیه ۵۵.

۳. انفال، آیه ۷۲.

حاکم مقتدر است: «و هو الذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیلوکم فیما آتاکم»^۱.

بدین ترتیب استراتژی سیاسی ایشان نه تنها وحدت‌بخشی یک جمعیت واحد در محیط یاریگر یثرب آن زمان بود، که تا همه قلمرو سرزمین عربستان تداوم یافته و سپس تلاش در جهت دعوت توحیدی-سیاسی سایر ملتها برای الحاق به حوزه جامعه اسلامی و در نهایت تشکیل یک جامعه جهانی امت واحده بوده است، چرا که: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...»^۲.
با مروری به دوران درخشان تاریخ اسلام به خوبی می‌توان رویکرد وحدت سیاسی توسط پیامبر اکرم(ص) را در ابعاد داخلی جزیره العرب و دامنه خارجی آن ملاحظه نمود؛ که این هر دو، از فرایندهای بالندگی وحدت اسلامی در فضای یک سرزمین واحد و دیگر مناطق است. با نزدیک شدن به سالهای آخر حیات پیامبر اکرم(ص)، سیطره رسمی و فراگیر اسلام در عربستان آن زمان، به اوج اقتدار و انسجام ملی خود می‌رسد.

در آغاز سال دهم معجزه تاریخ رخ داد. مردمی که در سراسر زندگانی خود جکستن غار کربدین کدیگپیشه افداشتند، در نظر احدی آمدند و فرماندهی یک حکومت را پذیرفتند... در نواحی شام هنوز قبیله‌هایی زندگی می‌کردند که در اطاعت امپراتوری روم بودند و در غرب و جنوب قبیله‌هایی بودند که هنوز درین آنایت پرستی مسلحی‌گری و یدینهای دیگر وجود داشت، اما... پس از نبرد حنین بیشتر قبیله‌ها یا مسلمان و یا متحد با پیامبر شدند... تا خونی که در جاهلیت در راه حفظ شتر و ضبط چرگا و یخته می‌شد، از این پس در راه خدا پیشرفت اسلام یخته شود.^۳

پاره‌ای از برخوردهای حضرت که در طول این ایام با انگیزه حاکمیت اسلام در عربستان صورت گرفت، عبارت است از:

- براندازی قدرتهای جمعی مشرکان و دشمنان ستیزه‌جوی اسلام و مسلمانان.

۱. انعام، آیه ۱۶۵.

۲. آل عمران، آیه ۱۹.

۳. مرکز نشر فرهنگی رجاء، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۹۸.

- اعلام برائت از مشرکان و ایجاد محدودیت برای آنها و نیز فرمان پاک‌سازی قاطع جامعه اسلامی از آفت شرک و بت‌پرستی^۱: «برائة من الله و رسوله الى الذين...»^۲؛ «أن الله برىء من المشركين و رسوله...»^۳.

- دستور ویران‌سازی مسجد ضرار به جهت حفظ وحدت سیاسی جامعه و جلوگیری از تفرقه و تشتت سیاسی که در پی آن، موجودیت نیروهای نفاق هم دچار بحران اساسی و جدی شد: «والذين اتخذوا مسجداً ضراراً و كفراً و تفریقاً بین المؤمنین و ارساداً لمن حارب الله و رسوله من قبل...»^۴.

- وصیت ایشان هنگام شهادت (رحلت) دربارهٔ اخراج یهودیان و مسیحیان که دقیقاً در جهت حفظ وحدت سیاسی جامعه اسلامی و در مسیر استحکام بافت عربستان آن روز به عنوان پایگاه اساسی اسلام بود.^۵

و اما در ابعاد خارجی دعوت، یعنی گسترش اسلام و رونق همبستگی سیاسی دینی به قلمرو بیرونی، می‌توان به ارسال نامه‌های حضرت به ملوک و سلاطین آن زمان اشاره کرد که: «قل یا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بیننا و بینکم... ارباباً من دون الله...»^۶.

دعوت رؤسای دولتهای مجاور مانند پادشاه بحرین، غسان، اردن، عمان، یمن و نجاشی؛ پادشاه حبشه، مقوقس در اسکندریه (مصر)، قیصر؛ امپراتور روم، خسرو پرویز؛ پادشاه ایران و دیگران، از اواخر سال ششم هجری به صورت یک دعوت عمومی و جهانی آغاز می‌گردد.^۷ همچنین می‌توان از دستور مهاجرت مسلمانان به حبشه نام برد، زیرا همان گونه که پاره‌ای از مورخان گفته‌اند، انگیزهٔ این حرکت تنها فرار از آزارها و شکنجه‌های مشرکان نبوده است، بلکه تلاش در جهت توسعهٔ قلمرو حاکمیت دینی و گسترش دامنهٔ خارجی آن مدنظر

۱. همان، ج ۲، ص ۲۱۵.

۲. توبه، آیه ۱.

۳. توبه، آیه ۳.

۴. همان، آیه ۱۰۷.

۵. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۲۱۶.

۶. آل عمران، آیه ۶۴.

۷. حسن ابراهیم حسن، تاریخ اسلام، ص ۱۵۷ - ۱۶۶.



قرار گرفته تا از این طریق بتوان به فراهم‌آوری نوعی پایگاه برون‌مرزی مبادرت نمود و بدین ترتیب از آغاز، تبلیغ و ترویج مبانی مکتب پی‌ریزی می‌شده است.^۱

د) تدابیر دفاعی و جهادی

راهبردهای دفاعی و جهادی حضرت برای حفظ و دفاع از وحدت سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی و نیز تحکیم پایه‌های آن، از جمله مواردی است که راه را برای تحقق زمینه‌های وحدت‌املسلامی در ستور و نعره‌یستان و نپسلمانان مناطوقور دست‌فلهمی‌کرد.

برخوردهای تهاجمی و تدافعی

نگارنده بر این باور است که موضع‌گیری‌های تهاجمی پیامبر(ص) در درگیری با کاروانهای اقتصادی کفار قریش که یکی از آنها منتهی به جنگ بدر شد، علاوه بر اینکه با هدف ضربه اقتصادی به مشرکان و بازپس‌گیری اموال مهاجرین پی‌ریزی می‌شد، در نوع خود، حرکتی سیاسی برای نگهداری، تداوم و توسعه وحدت سیاسی جامعه اسلامی بوده است: «یا ایها النبی حرّض المؤمنین علی القتال...»^۲.

همچنین در ردیف سیاستهای تهاجمی - دفاعی پیامبر اکرم(ص) باید به حرکت نظامی برای مقابله با قبایل شورش‌ی اطراف مرکز حکومت اسلامی و نیز در برابر بعضی طوایف یهودیان مانند یهود بنی قریظه، ماجرای بنی قینقاع و یهود قلعه‌های خیبر اشاره داشت. راهبردهای مشخصاً دفاعی، در جنگ احد برای مقابله با حملات مشرکان و یا در غزوه خندق در برابر عده‌ای از یهودیان و یا حتی پس از فتح مکه در جریان حادثه حنین، اتخاذ می‌شود.^۳

نقش استراتژی هجومی

توجه‌گستر شرق‌لمرور اسلام رویایی بنی‌ظاکفرت‌لمجله‌فخته‌دوم‌هان‌ایجاب می‌کند نظم اسلامی در کلیه تدابیر سیاسی و حتی فرهنگی و اقتصادی، علاوه بر راهکار تدافع در برابر هجوم از پیش برنامه‌ریزی شده جبهه کفر، در جهت تحقق آرمانهای دینی، تدابیر و سیاستهایی بیندیشد که دشمن مقابل را غافلگیر کند و او را در موضع انفعال و تدافع قرار دهد.

۱. سیره المصطفی، ص ۱۵۸.

۲. انفال، آیه ۶۵.

۳. سیره ابن هشام، ج ۳.

بدین ترتیب ابتکار عمل و برگ برنده در این درگیری، به دست نظام اسلامی قرار می‌گیرد. دستور حمله از ناحیه حضرت به کاروانهای غیرنظامی و تجاری کفار قریش را نیز باید در همین زمینه تحلیل کرد و توجیهاات دیگری را که گاه پاره‌ای از مورخان دیگر و یا تحلیلگران تاریخ اسلام بیان کردند، فرع بر این اصل اساسی شمرد. براساس این تحلیلها باید این حرکتها را صرفاً نوعی دفاع فردی مسلمانان برای بازپس‌گیری اموال به غارت رفته مهاجران بدانیم و یا مسئله را در قالب وارد آوردن ضربه اقتصادی به کفار مکه یا به دست آوردن راههای تجاری برای رونق اقتصاد مسلمانان و به ویژه معیشت و کار تجاری مهاجران و یا نشان دادن نوعی قدرت، در سطح مکه و مدینه و طوایف آن، خلاصه کنیم و یا برقراری مانورهای رزمی و نظامی را برای ایجاد آمادگی جنگی یا شناسایی نقاط قوت و ضعف دشمن، هدف اصلی به حساب آوریم.

مثلاً همیلتون گیپ اشاره می‌کند که لشکرکشیهای حضرت بر ضد قبایل عرب، جزئی از نقشه کلی وی برای بستن راه بر مکیان و تسلیم کردن آنها بوده که با مهارت و بینش کامل و حتی پیش‌بینی امکان درگیری مسلحانه صورت می‌گرفته است. هم او، سه غزوه بدر، احد و خندق را در همین جهت قرار می‌دهد.^۱

۲. راهبردهای فرهنگی و عقیدتی

کارکردهای فرهنگی و عقیدتی حضرت، شامل کلیه تلاشهای ایشان در ترسیم دورنمای مطلوب امت واحده اسلامی می‌شود. این امور، موضعگیریها و تصمیماتی است که در ساختار فرهنگی جامعه واقع می‌شود و محتوای دعوت فکری رسول اکرم (ص) را در بر می‌گیرد. این مجموعه رهنمودها افکار جامعه اسلامی را به سوی ترسیم یک امت واحده سوق می‌دهد و الگوی وحدت امت را در شکل مطلوب دینی خود برای آنها نمایان می‌کند. در مسیر تحقق امت جهانی اسلام نه تنها باید علایق سیاسی آحاد افراد به یک تجمع و مرکز اقتدار هدایت می‌شد، بلکه آن مقصد نهایی، بدون آگاهی افکار، بصیرت عقلانی و جایگزینی یک آرمان سنجیده عقیدتی با سیاق جهانی و فراملی، هرگز عملی نمی‌گشت.

۱. گیپ، همیلتون، اسلام، بررسی تاریخی، ص ۴۶ و ۴۷.



الف) نهضت فرهنگی اسلام

مبارزه فرهنگی پیامبر در برابر جامعه جاهلی آن زمان، از دوران حضور ده ساله در مکه مکرمه آغاز می‌شود. این انقلاب فرهنگی که به منظور مبارزه با اندیشه‌های شرک‌آلود و غیر توحیدی صورت پذیرفت، در مجموع زمینه‌ساز به وجود آمدن نوعی وحدت فرهنگی در محیط آن زمان می‌شد تا تشنت و تخالف اعتقادی، جای خود را به پیدایش هویت واحد فکری بدهد. قطعاً ظهور چنین پیکره مشترکی به زایش ترسیم درست امت واحد نزد جامعه اجتماعی کمک مؤثری خواهد کرد. از همین زاویه، ثمرات تدابیر ایشان در ایجاد وحدت فرهنگی امت اسلام نیز روشن می‌شود.

حضرت با طرح گفت‌وگوهای اعتقادی، برهان توحیدی خود را در افکار مردمان می‌پروراند و زمینه‌های درونی و فطری تفکر سالم انسانها را بیدار می‌کرد و آنها را به تحرک عقلانی بهینه وامی‌داشت. به بیانی دیگر، در این رخداد فکری، همین اقامه برهان و دلیل نیز نوعی دعوت به وحدت‌گرایی بود که از حوزه اندیشه و تفکر آغاز می‌شد، چرا که برهان حق، همواره رو به سوی وحدت و الفت دارد و نه تشنت و تخالف^۱: «یا ایها الناس قد جائکم برهان من ربکم و أنزلنا إلیکم نوراً مبیناً»^۲.

ب) آرمان توحیدگرایی و یکتاپرستی

در همین عرصه طرح توحید و وحدانیت الاهی موضوعیت می‌یابد. تکیه پیامبر بر توحید و به ویژه متصل دانستن رسالت اعتقادی خود با پایه‌های دین ابراهیمی، بهترین استفاده از ظرفیت اجتماعی آن زمان در مسیر ایجاد وحدت فکری و توجه دادن به دورنمای اعتقادی امت واحد است.

در جامعه جاهلی آن زمان، علاوه بر اینکه هنوز گروهی از اعراب معتقد به دین ابراهیم (ع) بودند، نام و یاد آن حضرت همه وقت با زوایای زندگی عرب همراه و هم‌نشین بود و از همین رو استفاده پیامبر از واژه «حنیف»، کارآمدترین راه برای ایجاد چنین پیوندی به حساب می‌آمد.

۱. مجموعه سخنرانیها و مقالات، ص ۵۲.

۲. نساء، آیه ۱۷۴.

حضرت اعلام داشت: «جئت بالحنيفية دين ابراهيم»^۱.

پیامبر با این راهبرد فرهنگی نه تنها محتوای دعوت خود را تا گستره یک پیشینه تاریخی و عقیدتی محکم و ماندگار (نزد اعراب) امتداد می‌بخشید، که از آن امکان بالقوه در مسیر تحقق و پویایی یک آرمان فکری مشترک هم استفاده می‌کرد و با این همه، القای یک تصویر معقول و همچنین ممکن جلوه دادن ایجاد امت واحده، رهاورد دیگری بود.

یکی از ارزشمندترین راهبردهای انتخابی حضرت در مسیر تحقق وحدت امت و ترسیم دورنمای امت واحده، تلاش برای ایجاد هویت واحد فرهنگی یا مرزبندی اعتقادی است.

ایجاد حلقه عقیدتی مشترک

مبارزه فکری با شرک و بت‌پرستی و تکیه بر توحید و وحدانیت باید با حرکت کارآمد دیگری به مرحله فراهم‌آوری یک اجتماع فرهنگی - دینی برسد که نقطه آغازین آن، پیدایش هویت واحد فکری و اعتقادی است؛ آن گونه که افراد را در یک نظام بینشی و نگرشی به یکدیگر پیوند زند، که: «... واعتصموا بالله هو مولیکم فنعیم المولی و نعم النصیر»^۲. این امر با دعوت علنی رسول خدا(ص) در همان دوران ده ساله مکه شروع می‌شود.

اولین مخاطبان حضرت، اقارب و عشیره نزدیک او بودند: «و أنذر عشیرتک الأقربین»^۳. به نظر می‌آید این دعوت به انگیزه ایجاد یک حلقه عقیدتی مشترک با صبغه توحیدی و براساس دعوت اسلام، انجام پذیرفت که همراهی با قرابت عشیره‌ای آن می‌توانست زیربنای نخستین هسته مرکزی هویت واحد فرهنگی را تداعی کند.

به نقل پاره‌ای از مورخان، حضرت در جریان انذار عشیره به ایجاد نوعی مرزبندی در درون خاندان، نسبت به رسالت عام خود اشاره داشت؛ آنجا که فرمود: «... والله الذی لا اله الا هو، إتی رسول الله الیکم خاصة و إلى الناس عامة...»^۴

گسترش وفاق فکری

تلاش در مسیر تشکیل چنین نهاد و هویت واحدی، در این مقطع دعوت، از کلام حضرت

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۶.

۲. حج، آیه ۷۸.

۳. شعراء، آیه ۲۱۴.

۴. ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۶۱.

به خوبی نمایان است که فرمود: «یا معشر قریش و یا معشر العرب... و اِنّی رسول الله...»^۱ پیامبر در این دوره مجاز به بهره‌بری از اهرمهای نظامی و رزمی نیست. راهبرد وی در این مرحله به صورت مطلق، عدم استفاده از عکس‌العملهای نظامی در برابر مشرکان و بت‌پرستان بوده است و به این ترتیب، اصحاب و یاران حضرت حتی حق دفاع در برابر آزار و شکنجه‌ها را نیز نداشتند: «فاصبر إنّ وعد الله حقّ و لا یستخفّک الذین لا یوقنون»^۲. البته باید توجه داشت که دایره و قلمرو هویت واحد فرهنگی محدود به محیط مکه و مدینه نبود و از این رو حضرت، در تمام دوران حیات خود، از هر عامل بازدارنده‌ای در این جهت پرهیز می‌کرد و کوشش او، توسعه و نفوذ دامنه وحدت‌بخشی اهداف مقدس بین تمام امته‌ها تا هدف عالی تحقق امت واحد بود.

د) نقش و حیانی پیامبر اکرم

به کارگیری قرآن کریم

تأثیر غیر بشری حضرت با استفاده از وحی الاهی نیز در بررسی راهبردهای فرهنگی امری قابل توجه است. از همین رو، پیامبران موظف به کاربرد آیات الاهی‌اند.^۳ تکیه پیامبر اکرم (ص) بر قرآن و بهره‌گیری بجا و به موقع از آن، یکی از راهبردهای مخصوص حضرت برای ترسیم دورنمای مطلوب بوده است. تأکیداتی که قرآن در موضوع وحدت و به ویژه اعتلای کلمه حق و دیانت اسلام دارد، بهترین درون‌مایه‌ها را در اختیار می‌گذارد: «کان الناس أمة واحدة...»^۴.

آنچه کارکرد پیامبر را در این مورد ویژه سرعت و شدت بیشتری می‌بخشد، تأثیر جنبه اعجازی قرآن مجید است. ایشان جز به وحی سخن نمی‌گویند و محتوای نطق وی نیز باید با مهر وحی الوهی تأیید شود تا از هر گونه آمیزه دیگری، پاک و پیراسته بماند.^۵

۱. طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۹.

۲. روم، آیه ۶۰.

۳. اعراف، آیه ۳۵.

۴. بقره، آیه ۲۱۳.

۵. نجم، آیات ۳ و ۴ و ۵.

بدین ترتیب اعجاز قرآن به عنوان محتوای اصیل دعوت فرهنگی پیامبر اکرم(ص)، باروری حرکت حضرت را دو چندان می‌کند. در تحلیل تأثیر و حیانی پیامبر(ص) نسبت به تبیین الگوی امت واحده، توجه به ابعاد فوق طبیعی و خارق العاده حقیقت قرآن ضروری می‌نماید؛ حقیقتی که قرآن نیز خود بدان اشاره دارد: «و الذی أوحینا الیک من الکتاب هو الحق...»^۱. و هشدار دهی همه مردم را به وسیله آن، از پیامبر(ص) می‌طلبد: «و کذلک أوحینا إلیک قرآناً عربیاً لتتذر امّ القری و من حولها...»^۲.

در زمان حیات حضرت و پس از پیمان عقبه اولی، با تلاوت قرآن برای مردم توسط افرادی مانند مصعب بن عمیر، تغییر و تحول محیط اجتماعی آن زمان شهر به سمت ایجاد یک وحدت سیاسی منجر می‌شود؛ آن گونه که مورخان و سیره‌نویسان نوشته‌اند: «فتحت المدینة بالقرآن»^۳.

نسبتهای ناروای سحر و جنون که مشرکان و مخالفان در برابر تأثیر چشمگیر قرآن به پیامبر می‌دادند و نیز استهزا و عناد و لجاجت آنها در این موارد، حاکی از میزان نفوذ جلب قلوب و آرای مردم توسط محتوای قرآن و نیز ایجاد نوعی وحدت اعتقادی و سیاسی، بر محور کلام الاهی است. این سنت همیشگی رویارویی با پیامبران بود که در مورد پیامبر(ص) نیز گاه با نسبت سحر، گاه با جنون، گاه به ریشخند و استهزا و گاه با ادعاهای کذاب و شاعر و مانند آن، به واکنش در برابر توان الوهی آن حضرت مبادرت می‌ورزیدند. به هر حال، چنین نسبتهای نادرستی که ریشه در شدت ترس و وحشت مشرکان داشت، بهترین شاهد بر نقش اعجاز‌آمیز قرآن در تجمع افکار، عقاید و وحدت‌بخشی آنها بوده است.

کیفیت ترویج و راهبرد نشر و تبلیغ دین توسط ایشان نیز در جهت ایجاد امت واحده و همسو با آن بوده است. از روش فکری حضرت چنین برمی‌آید که ایشان، ظرفیتهای روحی و ذهنی مردم را کاملاً مورد نظر داشت و محتوای دعوت خود را متناسب با همان بستر اجتماعی خاص قرار می‌داد تا به این ترتیب، زمینه تسری پیام خود را به آحاد مردم فراهم کند

۱. فاطر، آیه ۳۱.

۲. شوری، آیه ۷.

۳. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۷۸ - ۱۸۳.



و علاوه بر این پایه‌گذار وحدت فرهنگی و سیاسی باشد.

پیامبر(ص) با به کارگیری این راهبرد فرهنگی، به تدریج دورنمای امت اسلامی آرمانی خود را تبیین می‌نمود. به علاوه، این بستر طریقی برای ایجاد وحدت دینی در جامعه اعراب آن زمان نیز به حساب می‌آمد. سیاست تدریج در زمینه تبیین اعتقادات و احکام و فروع دینی هم رعایت می‌شد، به گونه‌ای که در دوران ده ساله مکه، اصول کلی جهان‌بینی مانند توحید، نبوت، معاد و ... سپس در مدینه، آیات احکام نازل گشت. قرآن کریم می‌فرماید: «و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً»^۱.

رعایت مبنای تدریج نه فقط در القا و انتقال محتوای دعوت، که شامل روشها و کیفیت دعوت حضرت نیز می‌شود. نخستین مرحله، دعوت سری ایشان است که حدود سه سال به طول انجامید و البته عده کمی نیز به وی پیوستند.^۲ مرحله دوم شامل عشیره و خاندان نزدیک است و در مرحله سوم، دعوت عمومی و همگانی است. سپس در مرحله چهارم، دعوت نهایی جامعه بشریت با ارسال نامه به سران کشورهای غیر عرب انجام می‌گیرد. بنابراین باید گفت: رویکرد این تدبیر حکیمانه و الهی ایشان، در مسیر ایجاد یک وحدت سیاسی و فرهنگی و گسترش آن تا تشکیل حکومت اسلامی و به دنبال آن، حکومت جهانی اسلام بوده است.

۳. راهبردهای ارزشی و اجتماعی

راهبردهای ارزشی اجتماعی به بررسی نقش و تأثیر پیامبر اکرم(ص) در یک‌کارگیری عوامل وحدت اسلامی به عنوان یک ابزار در جامعه اسلامی آن زمان می‌پردازد. نقش حضرت در پایه‌گذاری وحدت امت شامل سه فرزند نبی شونک‌خست متلاثن وضعی و جو جو جامعه عربی آن زمان و به کارگیری عوامل سیاسی جهت زمینه‌سازیهای لازم؛ سپس برنامه‌ریزیهای فرهنگی در مسیر ترسیم دورنمای امت واحده برای مسلمانان و ایجاد فضای رشد فکری و ارتقای فهم مردم به سمت مسئولیتهای خود؛ و در نهایت، آنچه باید در این بخش اشاره شود، به کار بستن راه‌حلهایی است که پیامبر اکرم(ص) از آنها به عنوان ابزار تحقق وحدت بهره

۱. اسراء، آیه ۱۰۶.

۲. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۵۶.

می‌گرفت. مجموعه این راهها را می‌توان تحت عنوان دعوت ارزشی پیامبر(ص) برشمرد. ورود پیامبر(ص) به مدینه، با عقد قراردادهایی بین گروههای مختلف و گوناگون همراه بود. این پیمانها را می‌توان یکی از بارزترین شواهد به کارگیری رهیافت وحدت اسلامی در جامعه آن زمان دانست.

پیمان‌نامه عمومی

یکی از مهم‌ترین این پیمانها، اولین قراردادی بود که بین پیامبر اکرم(ص) و طوایف و قبایل موجود یثرب در همان ماههای آغازین ورود حضرت(ص) بسته شد و بعضی آن را نخستین قانون اساسی مکتوب جهان دانسته‌اند.^۱ به نظر می‌آید که این تدابیر، بهترین مقوله برای به وجود آوردن وحدت ملی و همبستگی دینی بود، چرا که وحدت میان قبایل درگیر، حقوق اجتماعی یهودیان و نیز انصار و مهاجران مسلمان را تضمین می‌کرد و از سوی دیگر، این پیمان، مقدمات تشکیل یک وحدت سیاسی و حکومتی دینی را هم فراهم می‌آورد.

اگر چه روح حاکم بر کلیت این پیمان، همانا به کارگیری ابزار وحدت اسلامی در جهت راهبرد ارزشی پیامبر اکرم(ص) در جامعه دینی است و از همین رو، تمام موارد آن مصداق این امر محسوب می‌شوند، ولی به پاره‌ای از روشن‌ترین آنها اشاره می‌شود:

- مسلمانان در برابر ظلم و تجاوز و توطئه و فساد با یکدیگر متحدند و همگان برای مقابله و نابودی متعددی همکاری می‌کنند، اگر چه فرد متجاوز و ستمکار، فرزند یکی از مؤمنان باشد.^۲ قطعاً ذمه الله نسبت به همه افراد یکسان است و اگر نازل‌ترین مؤمنان فردی را در پناه خود آورد، همه آن را می‌پذیرند و مؤمنان جدا از دیگر مردم، ولی یکدیگرند.

- صلح مؤمنان یکی بیش نیست و هیچ مؤمنی بدون توافق سایر مؤمنان در جهاد فی سبیل الله آشتی نمی‌کند و صلحی که براساس عدالت و برابری استقرار یافت، برای همگان الزام‌آور است و همه باید آن را رعایت کنند.

- تمامی جنگجویانی که همراه ما بجنگند، هر دسته آنان جانشین دسته دیگر خواهند شد و جنگیدن به یک گروه تحمیل نمی‌شود.

۱. محمد، حمیدالله، اولین قانون اساسی مکتوب در جهان.

۲. همان.



- مسلمانان فرد مقروض و مدیونی را که دین او سنگین است رها نخواهند ساخت، بلکه او را با نیکوکاری کمک می‌کنند...^۱
در قسمت آخر این بخش آمده است:

- اگر اختلافی بین مسلمانان بروز کرد، مرجع حل آن، خدا و داوری محمد خواهد بود.
در بخش دیگری از این عهدنامه تاریخی که طرف خطاب آن یهودیان یثرب بودند، اموری پیشداوری شد که توجه به مفاد آن، نشان دهنده همان انگیزه تحقق وحدت ملی توسط پیامبر است:

- مسلمانان و یهودیان یک امت واحده‌اند و مانند یک ملت در مدینه زندگی می‌کنند و هر یک دین خود را هم خواهند داشت. و هم‌پیمانان یهود نیز در حکم آنها هستند مگر کسانی که ستم کنند و مرتکب گناه شوند که چنین افرادی موجب زحمت برای خود و اهل خانه خود می‌شوند.

- با یهودیان هم‌پیمان، معاونت و به آنها کمک می‌شود و تحمیلی بر آنها روا نیست و مخالفان نیز یاری نخواهند شد.

- شعبه‌های فرعی یهود دارای حقوق اعضای اصلی خواهند بود....

پیرامون این قسمت پیمان نامه، نکته‌ای قابل توجه است: با وجود تلاشهای جدی و پافشاری حضرت برای تحقق یک میثاق عمومی فراگیر، اما با پیش‌داوریهای زیرکانه، لزوم سیطره حاکمیت الهی رهبری دینی و سیاسی از یاد نرفته بود. در واقع حضرت با این تعهد، هرگز رهبری جامعه نوپای مدینه را به دست گروههای یثربی و خصوصاً یهودیان حاضر در آن نمی‌سپرد...^۲

بدین ترتیب با نظر به این پیمان باید نتیجه گرفت که تلاش و کوشش پیامبر اکرم (ص) برای جلداسیمت‌ترکدینی‌های کثیر از اخص تربیان جلهای آن حضرت جهت تحقق وحدت اسلامی شمرده‌ی شویاره‌ای طنزستشرقان هم‌در این باره چنین نظرا داده‌اند:

... این سند، اساسنامه جماعت مسلمان مدینه است که بر پایه پیمان

۱. همان.

۲. همان.

منعقد با قبیله‌های اوس و خزرج مدون شده بود. پیداست که محمد(ص) در حینی که رئیس جماعت مسلمانان بوده، در عین حال رهبری سیاسی همه شهر مدینه را به عهده داشته و مقنن و داور آن شهر بوده است. رهبران اسلامی بنا به معتقدات خویش نسبت به سنن قبیله‌ای و عشیرتی نظر منفی داشتند، ولی چون می‌دیدند که به ناگاه مخالفت با سنن یاد شده محال است، یک سازش و مصالحه عقلایی را مجاز دانستند. به این معنا که همه ساکنان مدینه می‌بایست همچون یک واحد سیاسی شمرده شوند و از حقوق یکسان استفاده کنند، بدون در نظر گرفتن انتساب ایشان به فلان یا بهمان قبیله یا دین...^۱

پیامبر اکرم(ص) بعدها نیز در مسیر تثبیت همبستگی ایمانی مسلمانان، مکرر بر این موضوع تأکید ویژه‌ای دارد. در بخشی از سخنان حضرت آمده است: «المسلم اخ المسلم...»^۲ ایجاد چنین حس مشترک دینی و پیوستگی مذهبی واحد بین مؤمنان در کلام زیبای منسوب به حضرت کاملاً مشهود است که می‌فرمایند: «المؤمنون کنفس واحدة.»^۳

در نخستین سال ورود پیامبر اکرم(ص) به مدینه، یکی از بهترین ابتکارها و راهبردهای مهم ایشان در به کارگیری عامل وحدت دینی واقع می‌شود؛ یعنی پیوند مؤاخات بین کلیه مسلمانان اعم از مرد و زن. بدون تردید این تصمیم در جهت عامل پیش، یعنی طرح پیمان‌نامه مدینه قرار می‌گیرد تا در جهت تحقق همبستگی دینی به کار آید. اما با پیمان‌نامه عمومی، بخشی از راهکارهای ایجاد حساسیت مشترک دینی میسر می‌شد که بیشتر جنبه عمومی، فراگیر و ملی داشت و به عبارتی پیمان‌نامه عمومی القای یک حس پیوسته دینی و حساسیت مشترک را به اوج بالندگی خود می‌رساند. یعنی آن پیوند عمومی با پیوستگی ویژه حلقه ایمانی مؤمنان، هم تقویت می‌یابد و هم تضمینی برای پایداری و دوری از آفت شقاق و پراکندگی می‌شود.

۱. پطروشفسکی، ای. پ، اسلام در ایران، ص ۳۰.

۲. هندی، علاء‌الدین، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۴۹.

۳. ابوالفتوح رازی، تفسیر روح الجنان، ج ۱، ص ۶۲۱.

بنابراین، اولاً پیمان‌نامه خصوصی، عاملی استوار برای جلوگیری از اختلافات کهن قبیله‌ای و جاهلی به حساب می‌آید. ثانیاً به ایجاد پیوستگی بیشتر در حلقه اتحاد مسلمانان به عنوان نیروهای محوری جامعه یاری می‌رساند. ثالثاً عاملی کارآمد برای حفظ جامعه نوپا بود، چرا که عمده کسانی که می‌توان در هنگامه خطر به صورت جدی و کارساز بر آنان تکیه زد و از یاری و پایداری‌شان مطمئن بود، همین گروه‌اند. از این رو جدا از التزام عملی به تعهدی فراگیر، حتماً به پیوندی ویژه و خصوصی هم نیاز است. پس این پیمان برادری همگانی، تنها بر اساس نفی انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای و بر محور حق و همکاری اجتماعی شکل گرفت و بر همین اساس رسول خدا(ص) در یک مجلس عمومی می‌فرماید: «تأخوا فی الله اخوین اخوین»^۱

بدین سان، این تصمیم داهیان، یعنی اعلان مساوات دینی، کارآمدترین ابزار تحقق الفت فراگیر در جامعه آن زمان و کوشش آن اهل‌مکه و شش پیامبر اکرم(ص) برای پیدایش یک‌تعلق اجتماعی پالنده بود. همان‌طور که شیخ رشید و شمس‌الدین شمس‌الدین (در این باره می‌گویند):

فکر مساوات مسلمانان در اسلام - صرف نظر از اصل و تبار و نسبت قبیله‌ای و طایفگی ایشان - مقدمه مهمی بود برای اتحاد سیاسی، نخست اتحاد سیاسی اعراب مدینه و زان پس همه عرب ...^۲

به هر ترتیب، جامعه مطلوب پیامبر اکرم(ص)، نظامی است که تمامی اعضای آن بر محور دیانت توحیدی، پیوند برادری با یکدیگر دارند و مکلف‌اند آن را استوار نگه دارند تا خداوند نیز زمینه‌های الفت و وحدت‌طلبی را بپسندد و در نتیجه سایه‌های فاطمه اجتماعی جامع‌السلامی محکم گردد: «و این بریدوا آن یخدهوک فاین حسبک الله... الف بینهم انّه عزیز حکیم»^۳.

جامعه آرمانی حضرت که در آن روح اخوت و برادری موج می‌زند، جامعه‌ای است که در مقابله با کافران و رحمت بر مؤمنان، حول یک محور وحدت می‌یابند؛ جامعه‌ای که مانند یک پیکره واحد است و تمام افراد آن در یک ارتباط وحدت‌ساز با یکدیگر پایدار می‌مانند و روح

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۵۰.

۲. اسلام در ایران، ص ۳۱.

۳. انفال، آیات ۶۲ و ۶۳.

عشق و ایمان مذهبی در تار و پود آن جریان دارد. به هر حال، سراسر وقایع تاریخ اسلام گویای شواهدی است که نقش پیامبر اکرم(ص) را در جلوگیری از افتراق صفوف مسلمانان و متقابلاً بهره‌بری از ابزار وحدت اسلامی نشان می‌دهد.

نتیجه

با جمع‌بندی کلی مسائل مطرح شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بزرگ‌ترین سلاح و ابزار پیامبر اعظم(ص) در مسیر مبارزه با خطر تفرقه و نفاق، ایجاد وحدت در تمامی ابعاد، یعنی عرصه سیاسی و حکومتی، عرصه فرهنگی و عقیدتی و عرصه ارزشی و اجتماعی بود. بدون تحقق این هدف بزرگ هیچ‌گاه آرامش و اتحاد و... محقق نخواهد شد و این خود بزرگ‌ترین سرمایه دینی ما در مسیر اجرای سنت و سیره نبوی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

